

بازتعریف هویت فضاهای جمعی شهری در منطقه راه آهن اهواز

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۰۹/۰۵

سجاد معماردزفولی (دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

محسن تابان* (دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران)

مصطفی مسعودی نژاد (دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران)

محمدابراهیم مظهري (دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

چکیده

امروزه هویت در مکان‌های عمومی شهری یکی از دغدغه‌های مهم بشر می‌باشد. خواسته‌های روحی افراد و انعکاس آن در طراحی ابنیه عمومی در هویت‌بخشی این فضاها ضروری است. لذا توجه به کیفیت کالبدی و عملکردی در جهت افزایش تعاملات اجتماعی، و خلق رویدادهای فرهنگی و اجتماعی، از سوی طراحان در فضاهای عمومی می‌تواند به بازیابی هویت جمعی شهروندان کمک کند.

مقاله حاضر با روشی ترکیبی شامل روش توصیفی جهت تبیین معیارهای کلیدی کیفیت فضاهای جمعی شهری و روش پیمایشی به منظور تعیین رابطه میان متغیرها از یک سو و همچنین شدت تأثیر هر کدام از سوی دیگر می‌پردازد. بر همین اساس، هفت معیار کلیدی در زمینه شکل‌گیری، احراز و تشخیص هویت مکان از نقطه نظر مخاطبان در فضای جمعی دارای اهمیت می‌باشند. برای تبیین این معیارها، در مجموع به واسطه ۳۱ زیرمعیار و ۳۴ سنجه، ابتدا تأثیر متغیرهای متفاوت بر دیگری در ارتباط با محدوده مورد مطالعه مورد توجه قرار گرفته است. در نهایت، با یافتن تأثیرات فاکتورهای مورد مطالعه بر ارتقای هویت فضای جمعی، امکان شدت تأثیر هر متغیر و سنجش ارتقای فضای جمعی شهری فراهم شده است.

واژه‌های کلیدی: هویت، مکان عمومی، فضای جمعی شهری، تعاملات اجتماعی ایستگاه راه آهن اهواز.

مقدمه

قرن حاضر، قرن شهرهاست. چرا که بیش از نیمی از مردم دنیا شهرنشین شده‌اند. در ایران نیز رشد مطلق و نسبی جمعیت شهری چنان پرشتاب بوده که در عرض نیم قرن، تعداد شهرهای ایران پنج برابر و نرخ شهرنشینی دو برابر شده است. اما این رشد چشمگیر شهری نه تنها به افزایش کیفیتی سطح زندگی مردم منجر نشده بلکه شهرهای پرازدحام همچون جنگلی بزرگ است که افراد به آن پناه برده و مکانی تاریک و مناسب برای مخفی شدن کسب می‌کنند (مدنی‌پور، ۱۳۹۱). ایجاد و بازتولید فضاهای عمومی موفق و پایدار عنوان به محل رخداد تعاملات اجتماعی در راستای خلق محیط شهری پایدار، یکی از اهدافی است که در دهه‌های اخیر بسیار توجه قرار گرفته مورد است (معروفی و بایزیدی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر خیابان‌ها و فضاهای عمومی شلوغ در شهرهای امروزی مکان‌های استتار هستند که در آن‌ها افراد مخفی شده‌اند و همانطور که دوست دارند زندگی می‌کنند. فضاهای شهری بر خلاف گذشته که فضاهایی برای مکث، تماشا و تعاملات اجتماعی بالا بودند، تبدیل به فضاهایی عبوری با سرعت هر چه بیشتر و صرفاً با توجه به توجه نیازهای اقتصادی و عملکردی طرف طراحی می‌گردند که پیامد این مسئله انزوای و کاهش تعاملات اجتماعی است (دلاکه و همکاران، ۱۴۰۱). لذا تعاملات اجتماعی که افراد در مکان‌ها و فضاهای عمومی کسب می‌کردند؛ کم‌رنگ گشته و موجب سربرآوردن بحران هویتی در ساکنین می‌گردد. وجود بحران هویتی به تبع مشکلات اجتماعی افراد را دامن می‌زند و به جدا شدن فرد از محیط می‌انجامد. بنابراین برای مبارزه با بحران هویتی و افزایش سطح زندگی مردم رسیدن به اجتماع منسجم به عنوان چارچوبی که فرد را از دنیای بیگانگی محافظت می‌کند و تعاملات اجتماعی ساکنان را در مکان‌ها و فضاهای عمومی به شیوه‌های مطلوبی افزایش داده و موجبات احراز هویت را فراهم می‌کند. شکلگیری و خلق فضای با هویت، که در قالب مکان تجلی می‌یابد، مبتنی بر نقطه‌نظری است که بر خلاف انکارکنندگان آن، دستیابی به تعریفی نسبتاً مشترک بر مبنای شناخت و ادراک حاصل از تجربه را که در عین حال به شکل و کیفیت فضایی نیز وابسته است، ممکن و بلکه حیاتی می‌دانند. این در حالی است که علیرغم مطالعات بسیار، هنوز در زمینه ارائه مدلی از شکلگیری هویت مکان مبنی بر طرح فرآیندهایی برای راهنمایی در پاسخ به اینکه چگونه و چرا مکان‌ها در تصور شخص، برجسته و به خصوص میشوند، جای کار وجود دارد (Lalli, 1992, 258; Twigger-). در واقع، با وجود آنکه هویت مکان، مسئله شماری از مطالعات (نظری و تجربی) در میان تنوعی از رشته‌ها شده است، همچنان در زمینه یکپارچه ساختن این ادبیات، همجنس و تلفیق نمودن مفاهیم متفاوت و درک اصطلاحات خاص، چالش وجود دارد (Deroseltis and vignoles, 2010, 23; Cuba and Hummon, 1993, 111;)

Reymond, Brown and Weber, 2010, 422). در این میان، تنوع جایگاه‌ها و چارچوب‌های نظری، امروزه به این جهت گرایش یافته است که شکلگیری هویت مکان مبنی بر اینکه «چگونه مکان‌ها، مکان شده و به عبارت دیگر معنا دار و ممتاز می‌شوند» (Smaldon, Harris and Sanyal, 2005, 397)، از چه فرآیند و سازوکاری برخوردار است (ارباب، عزیزی و زبردست، ۱۳۹۳: ۶۰). از این رو است که در میان گستردگی نگاه‌ها، پیش‌فرض‌ها و پایه‌ها، این مفهوم همچنان در قلب تمامی مطالعات با موضوع مردم و مکان‌ها نهفته شده و قرار دارد (Rollero and De Piccoli, 2010, 198). با توجه به تمام مطالب فوق مسئله هویت فضاهای جمعی یکی از ضروری‌ترین مفاهیمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. منطقه راه‌آهن که نزدیک به یک قرن از عمر آن می‌گذرد، یکی از اولین نقاط شهری اهواز می‌باشد که در دوره میانی معماری و طراحی شهری اهواز بنا شده است. متأسفانه، عدم ساماندهی این منطقه به لحاظ معماری و طراحی شهری به خوبی قابل مشاهده است. پژوهش حاضر به بررسی هویتی منطقه راه‌آهن اهواز (عوامل هویت‌ساز) به عنوان یک فضای جمعی پرداخته و تلاش می‌کند علاوه بر معرفی این مکان به عنوان یکی از اولین سنگ بناهای توسعه شهری اهواز موجبات طراحی بهینه آن در آینده با توصیه راهکارهای نظری و عملی را نیز فراهم کند. در نهایت با روشی همبستگی و بر اساس یافته‌های برآمده از پرسشنامه‌ها رابطه میان متغیرها بررسی و به ارائه راهکارهایی جهت شکلگیری مطلوب این محدوده پرداخته می‌شود.

بررسی‌ها (چارچوب نظری تحقیق)

مکان شامل مجموعه‌ای از قرارگاه‌های رفتاری است که درون یکدیگر قرار گرفته و با هم فصول مشترکی دارند. عناصر اصلی این قرارگاه‌های رفتاری، الگوی شاخص رفتار و محیط فیزیکی است (الکساندر، ۱۳۸۵: ۶۵). همچنین اریک فروم در این باره اعتقاد دارد که «هر فرد مایل است هویت خاصی داشته باشد و از این رو می‌کوشد خویشتن خود را دریابد و بشناسد و می‌خواهد فردی ممتاز باشد» (همان: ۱۱۹). به طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که محیط ساخته شده هر چه هست، تجربه مشترک زندگی را در محلی خاص شکل می‌دهد و لذا نمی‌توان در طراحی محیط، مردم و استفاده‌کنندگان از محیط را نادیده گرفت. وجود انسان به عنوان مهم‌ترین عامل معنا دهنده به مکان محسوب می‌شود و بر این اساس انسان در اثر پیوند و ارتباط با مکان، خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت‌ها تصویر ذهنی از آن مکان برای خود می‌سازد.

برای آنکه بین انسان با جهان، با جامعه و با خویشتن آرامش برقرار شود، باید آدمی با تثبیت هویت خویش، قرار یابد (مایس، ۱۳۸۶: ۱۶۵). اگر انسانی را به عنوان مرکز یک محدوده

انتخاب کنیم، محدوده‌های متحدالمرکزی به عنوان محیط(های) احاطه‌کننده او قابل طرح هستند. این دواپر یا محیط‌ها، از محیط فیزیکی و محیط خصوصی و شخصی و با شعاع چند متر (یا حتی چند سانتی‌متر) آغاز شده و تا محیط خیابان و محله و شهر ادامه می‌یابد و تداوم آن تا محیط‌های ذهنی و غیرفیزیکی مانند محیط فرهنگی و مذهبی و خانوادگی کشیده می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۵). طراحی یک مکان می‌تواند از جنبه‌های متفاوتی بر قدرت یا نحوه انتخاب مردم تأثیر بگذارد. حتی می‌تواند بر امکان رفتن و نرفتن مردم به مکانی تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که نفوذپذیری نامیده می‌شود. می‌تواند بر تنوع قابلیت‌هایی که به مردم عرضه می‌گردد تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که گوناگونی نامیده می‌شود. می‌تواند بر چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که محیط به آنان عرضه می‌دارد تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که خوانایی نامیده می‌شود. می‌تواند بر ابعاد توانمندی محیطی معلوم جهت پاسخگویی به استفاده‌های مختلفی که با اهداف مختلف مردم سازگار باشد تأثیر بگذارد. کیفیتی که انعطاف‌پذیری نامیده می‌شود، می‌تواند بر جزئیات ظاهری یک مکان آنگونه که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که تناسب بصری نامیده می‌شود. می‌تواند بر قوام گزینه‌های مربوط به تجربیات حسی مردم تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که غنای حسی نامیده می‌شود. می‌تواند بر حد و اندازه‌ای که مردم امکان زدن مهر و نشان خویش را بر مکان پیدا می‌کنند تأثیر بگذارد؛ کیفیتی که رنگ تعلق نامیده می‌شود. این موضوعات، موضوعات کلیدی ساختن مکان‌های مطلوب را به نمایش می‌گذارد (بن‌تلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵). به عبارت دیگر، مکان یعنی جایی که ما به آن تعلق داریم و تنها با حضور انسان با معنا می‌شود و انسان نیز تنها با داشتن مکان با معنا خواهد شد و در این میان، حلقه اتصالی وجود دارد که به آن معنا نیست که هویت مکان لزوماً تغییر کند یا از دست برود. انسان می‌تواند هویت پرداز یک مکان و مکان می‌تواند دارای یک هویت انسان‌ساز باشد. لذا یکی از اصول لازم برای ادامه زندگی انسان وجود کانون‌های پایدار زندگی است، یعنی مکان‌هایی که هویت فرد را در طول زمان حفظ نماید. هویت مکان بخشی از هویت شخصی و بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی است. بر این اساس فضاهای معماری باید به گونه‌ای باشد که ضمن ایجاد فضاهای با هویت سبب ارتقاء هویت فردی و همچنین افزایش میزان حضور فرد و تعاملات اجتماعی آنها گردد.

هر بنا و هر شهر از الگوهایی ساخته شده است که خود را در سرتاسر بافت بنا یا شهر تکرار می‌کنند و بنا یا شهر هویت خود را از همان الگوهایی می‌گیرد که آن را می‌سازند. زندگی را بدین وسیله پدید می‌آورند که به انسان‌ها امکان می‌دهد انرژی خود را به فعلیت درآورند و به انسان‌ها امکان می‌دهند که خودشان آزاد باشند و در فضاهایی که از زندگی بهره کمتری دارند، الگوها مانع آزادی انسان می‌شوند، حال زندگی را ضایع می‌کنند، امکان حیات واقعی را سلب

می‌کنند، بدین صورت که وضعی به وجود می‌آورند که انسان‌ها اصلاً نمی‌توانند آزاد باشند. هر انسان وقتی زنده است که آرامش خاطر داشته باشد، با نیروهای درونی خود سازگار باشد و بتواند مطابق مقتضای هر موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد آزادانه عمل می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۵: ۸۹). یک فضای شهری می‌تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند (امینی و همکاران، ۱۳۹۳). واقعیت این است که شخص آنچنان تحت تأثیر محیط خود است که حالت هماهنگی درونی‌اش بستگی تام به هماهنگی او با محیط خود دارد. بعضی انواع موقعیت‌های کالبدی و اجتماعی به انسان کمک می‌کند تا انسان زندگی را بیشتر دریابد و بعضی دیگر این کار را دشوار می‌سازد (همان: ۹۱).

محدوده مورد مطالعه

بر مبنای هدف اصلی پژوهش یعنی تبیین معیارهای کلیدی فرآیند ارتقا هویت مکان در فضاهای جمعی، مطالعه فضاهای عمومی نظیر ایستگاه راه‌آهن شهری و محدوده اطراف آن موضوعیت می‌یابد؛ که طبعاً از سابقه احداث حداقل معادل نیم قرن برخوردار بوده و در عین حال، میزانی از تکامل، ثبات و بلوغ را به لحاظ شکلگیری تجربه کرده و همچنین از تغییر و تحول و در حال شدن‌های جدی و اساسی، فاصله داشته باشد (مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۸۸). بر این اساس و همانطور که تصویر شماره یک نیز نشان می‌دهد؛ محدوده راه‌آهن شهری اهواز و محدوده اطراف آن در منطقه ۲ شهرداری اهواز با جمعیتی بالغ بر ۱۰۷ هزار نفر (تا سال ۱۳۹۵) و در محله امانیه با جمعیتی حدود ۴۴۷۰ نفر (تا سال ۱۳۹۵) واقع شده است (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه انسانی خوزستان، ۱۳۹۶). کاربری منطقه مذکور اداری-مسکونی و در مقطعی از شبانه‌روز تفریحی است. با بررسی میدانی که در محدوده مورد مطالعه انجام شد، مشخص گردید، در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۶۰ بافت مسکونی در این منطقه غالب بود و در سالیان اخیر این محدوده بیشتر به بافت اداری تغییر کاربری داده است به طوری که اغلب ساختمان‌های مهم شهری نظیر؛ کاخ استانداری، فرمانداری، بیمارستان رازی، ورزشگاه تختی و دانشگاه جندی‌شاپور (سه‌گوش) و... در این محله واقع شده‌اند. (مجتهدزاده و نام‌آور، ۱۳۸۸). محدوده مورد تحقیق یکی از اولین و وسیع‌ترین مناطق توسعه شهری جدید در این شهر مشتمل بر بخش‌هایی نظیر؛ دو ایستگاه توقف قطار، مجموعه مسکونی، مدیریتی و کارگری - کارمندی، یک باشگاه قدیمی، کارخانه زمزم و مغازه‌ها و رستوران‌ها و فضای مقابل ایستگاه راه‌آهن به عنوان اولین میدان شهر اهواز یعنی میدان راه‌آهن (هجرت فعلی) در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۰ به عنوان اولین فضای باز شهری در اهواز شامل یک محوطه سبز وسیع پیاده در وسط، مسیر عبور ماشین در پیرامون و یک مجموعه تجاری در حاشیه آن بوده است. طراحی فضای سبز میانه میدان و فضای تجاری

پیرامون آن با چنان وسعت دیدی صورت گرفته که تا به امروز نیز یکی از فضاهای هویت‌دهنده شهری و کانون‌های فعال شهری در طول شبانه‌روز در اهواز می‌باشد (همان: ۱۴۱). جمعیت محدوده مذکور در روز و شب متغیر است. در طول روز به دلیل وجود کاربری‌های اداری علاوه بر ساکنین که محدود به شهرک‌های راه‌آهن و گمرک و برخی منازل مسکونی پراکنده می‌شود؛ اغلب جمعیت برای امور اداری مربوطه به این منطقه وارد شده و در طول شب بیشتر جمعیتی است که برای تفریح به این منطقه گسیل می‌شوند. از نظر قومیت نیز می‌توان اظهار داشت به دلیل کاربری‌های متراکم و متنوع در شبانه‌روز، شاهد حضور مردم از هر قوم و طبقه‌ای در این محدوده خواهیم بود. در این پژوهش با نگاهی مبتنی بر فرآیند، سابقه و سیر تحولی و نیز تقدم و تاخر توسعه این محدوده با استناد به اطلاعات مربوط به پیشینه توسعه و نیز بررسی و تطبیق متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق به لحاظ معیارها و ملاک‌های کلی مورد اشاره به بررسی موارد ارتقا دهنده کیفیات محدوده‌های جمعی شهری مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.



تصویر ۱- بنای راه آهن شهر اهواز و مستحدثات اطراف آن؛ مأخذ: نگارندگان

روش تحقیق

این پژوهش بر مبنای «روش شناسی تحقیق پیمایشی» (زمینه یابی) انجام شده است. در روش شناسی پیمایشی، ماهیت و ویژگی‌های یک پدیده، محصول یا فرآیند مربوط به حال حاضر، در قالب چند متغیر مطالعه می‌شود (تیموری، ۱۳۹۲: ۷۲). در این فرآیند، داده‌ها و اطلاعات به واسطه پرسشنامه یا مصاحبه جمع‌آوری شده و جهت شرح روندها و گرایش‌ها در رابطه با پاسخ‌ها به سؤالات و نیز آزمون سؤالات تحقیق یا فرضیه‌ها، تحلیل آماری انجام می‌شود. تفسیر بیشتر معنا و مفهوم اطلاعات از طریق ارجاع نتایج حاصل از مطالعات گذشته، قابل انجام است (Creswell, 2012, 376). به همین جهت از ضریب همبستگی پیرسون که پایه‌ای را برای ارائه و

آزمون مدل‌ها در میان متغیرهای اندازه‌گیری شده مهیا می‌کند. به همین جهت بر اساس معیارهای هفت‌گانه و ۳۱ شاخص و ۳۴ سنجه پژوهش، پرسشنامه‌ها در میان جامعه آماری که ۳۰ نفر از معماران، برنامه‌ریزان و کارشناسان در منطقه مورد مطالعه (به جهت آشنایی محیطی کامل) می‌باشد؛ توزیع شد. پس از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها به روش SPSS در مرحله اول میزان همبستگی متغیرهای پژوهش بررسی و شناسایی شد و در مرحله بعدی میزان تأثیر فاکتورها بر روی ارتقای هویت جمعی در محدوده مورد مطالعه مورد تحلیل قرار گرفت. شایان ذکر است برای بررسی تأثیر هر کدام از فاکتورها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به این که متغیر به وسیله پنج گزینه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، گزینه ۳، حد وسط در نظر گرفته شده و میانگین نمره‌ای که افراد به متغیرها داده‌اند با عدد ۱۵ مقایسه می‌شود، اگر میانگین متغیر با عدد ۱۵ تفاوت معناداری داشته باشد چنین استنباط می‌شود که این متغیر تأثیر گذار است. در نهایت برای تعیین معنادار بودن تأثیر متغیرها می‌بایست سطح معناداری در آزمون تی کمتر از ۰,۰۵ باشد. و همچنین برای بررسی شدت تأثیر هر متغیر می‌توان بر اساس انحراف معیار هر متغیر شدت تأثیرگذاری فاکتورها را شناسایی کرد.

یافته‌های تحقیق

با استناد به نظریه‌های مورد بررسی، بر پایه نوع نگاه و جهت‌گیری این تحقیق، هفت معیار، در زمینه فرآیند شکل‌گیری هویت جمعی مکان در فضای شهری، مهم و کلیدی می‌باشند. هر یک از این معیارها در عین حال که هم‌پیوند و مرتبط با یکدیگر هستند، ابعاد و جوانبی از احراز و تشخیص هویت مکان را روشن ساخته و به واسطه آنها، سازوکار این فرآیند می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. مبتنی بر معیارهای تدوین یافته فوق و در مسیر تبیین بیشتر آن‌ها، ضروری است، شاخص‌ها و به عبارت دیگر زیرمعیارها و به دنبال آن سنجه‌ها یا متغیرهایی مرتبط نیز تعریف شوند.

جدول ۱- شاخص‌ها، اختصاص سنجه‌ها در ارتباط با معیارهای هفت‌گانه

سنجه	شاخص‌ها	کارکرد	معیار
۵	تجانس بصری عملکردی	قدرت و نحوه انتخاب مردم نسبت به مکان و امکان رفتن یا نرفتن به مکان	نفوذپذیری
	گروهی دیدن عناصر		
	ایستایی و پویایی		
	قلمرو		
۵	توالی و تداوم در دیدهای پیاپی	تنوع قابلیت‌های مکان	گوناگونی
	سلسله مراتب فضایی		

	فضاهای متباین		
	ترکیب		
۶	چشم‌انداز روشن و امکان رویارویی	چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی عرضه شده از طرف مکان	خوانایی
	ارتباط درون و بیرون		
	وضوح		
	روشنی		
	سادگی عناصر		
۳	معنایابی	ابعاد توانمندی محیطی معلوم جهت پاسخگویی به استفاده‌های مختلف از مکان	انعطاف‌پذیری
	هم‌پیوندی انسان و فضا		
	هماهنگی شکل		
	پیوستگی فضایی		
۵	کیفیت‌های بصری و هنری	آگاهی از جزئیات ظاهری قابل عرضه مکان	تناسب بصری
	ملاحظات زیبایی‌شناختی		
	نظم ادراکی		
	مقیاس		
	تناسب		
۴	مکان فردی در کنار مکان‌های جمعی	قوام تجربیات حسی مردم از مکان	غناي حسی
	گسترش مفهوم خودانگیختگی		
	امنیت		
	کالبد		
۶	باورهای فردی و اجتماعی	امکان زدن مهر و نشان مخاطب بر مکان	رنگ تعلق
	نیاز حضور در مکان		
	شناخت مکان		
	تداعی خاطرات، وقایع و رویداد		
	ریشه داشتن		

مأخذ: نگارندگان

از این رو و بر مبنای جدول (۱)، ضمن اشاره به کارکرد و نوع تلقی از هریک از معیارها ۳۱ شاخص (زیرمعیار) در مجموع ارائه شده است. تدوین و اختصاص سنج‌ها و به عبارت دیگر،

سؤالاتی مورد توجه قرار گرفته که به واسطه آنها و در قالب پرسشنامه، امکان بررسی و تحلیل نقطه نظر کارشناسان در ارتباط با فرآیند شکلگیری هویت مکان در توسعه شهری جدید در چارچوب روش‌شناسی و جزئیاتی که از آن ارائه می‌شود، فراهم شود. این سنجها و سؤالات که تعداد آنها به تفکیک هریک از معیارهای مربوطه مشخص شده است، در مجموع شامل 34 مورد می‌شوند. با بررسی متغیرهای تحقیق که بر اساس معیارهای هفت‌گانه بر اساس آنچه از ضرایب همبستگی آزمون پیرسون بین معیارهای پیوهش حاضر بدست آمده، رابطه همبستگی بین تمامی معیارها مستقیم است. به بیان دیگر افزایش یک شاخص به طور مستقیم موجب افزایش شاخص‌های مؤثر دیگر در ارتقا هویت فضا خواهد شد. به طور عکس کاهش هر معیار می‌تواند به طور مستقیم بر کاهش سایر معیارها اثر گذارد. در نهایت با تحلیل دوباره می‌توان میزان معناداری هر کدام از فاکتورها را معیارهای هویت فضای عمومی منطقه راه‌آهن نیز به دست آورد. در نهایت می‌توان بر اساس وجود و یا تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها در محدوده مورد مطالعه به تحلیل کالبدی مطلوب بر طبق مؤلفه‌های هویت شهری مذکور در تحقیق پرداخت.

بحث و جمع بندی

در تحقیق حاضر در مرحله اول برای بدست آوردن رابطه همبستگی میان متغیرها بر اساس روش پژوهش، تجزیه و تحلیل می‌شود. ابتدا مطابق با نتایج بدست آمده در جدول (۲) ویژگی‌های همبستگی بین معیارها بدین شرح است: مقدار همبستگی عامل نفوذپذیری با شش عامل دیگر هم‌جهت می‌باشد. اگر چه عامل گوناگونی با ضریب (۰,۶۳۳)، تناسب بصری (۰,۵۹۷) و خوانایی (۰,۵۴۷) تأثیر بیشتری بر نفوذپذیری می‌گذارند. گوناگونی نیز با سایر معیارها رشد کرده و هم‌جهت می‌باشد. البته عواملی نظیر؛ خوانایی با ضریب (۰,۸۰۴) و تناسب (۰,۷۵۵) و در رده‌های پایین تر غنای حسی با ضریب (۰,۶۷۷)، انعطاف‌پذیری (۰,۶۴۵) و نفوذپذیری (۰,۶۳۳) و در آخر رنگ تعلق (۰,۳۹۸) به ترتیب از بیشترین تا کمترین تأثیر را بر روی عامل شمار دو می‌گذرانند. در تأیید هم‌جهت بودن با خوانایی می‌توان هم‌جهت بودن را با غنای حسی با ضریب (۰,۸۲۴)، گوناگونی (۰,۸۰۴) و در ادامه تناسب بصری با ضریب (۰,۷۵۴) و انعطاف‌پذیری (۰,۷۱۲)؛ مشاهده کرد. به همین ترتیب بیشترین تأثیر را بر انعطاف‌پذیری، عواملی چون تناسب بصری (۰,۷۲۰)، خوانایی (۰,۷۱۲) و گوناگونی (۰,۶۴۵) می‌گذارند. عامل بعدی که مورد سنجش سایر متغیرها قرار می‌گیرد تناسب بصری می‌باشد به طوری که بیشترین تأثیر را از عواملی نظیر گوناگونی (۰,۷۵۵)، خوانایی (۰,۷۴۵)، انعطاف‌پذیری (۰,۷۲۰) و غنای حسی (۰,۷۰۴)، می‌پذیرد. همچنین غنای حسی به ترتیب با عواملی نظیر خوانایی با ضریب

(۰,۸۲۴)، تناسب بصری (۰,۷۰۴) و رنگ تعلق (۰,۷۰۳) بیشتر هم‌جهت می‌باشد. در نهایت تغییرات رنگ تعلق بیشتر در گرو غنای حسی یا ضریب همبستگی (۰,۷۰۳) می‌باشد.

جدول ۲- میزان همبستگی معیارهای پژوهش
مأخذ: نگارندگان

معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
نفوذپذیری	۱	۰.۶۳۳	۰.۵۴۷	۰.۵۰۹	۰.۵۹۷	۰.۴۲۷	۰.۴۱۷
گوناگونی		۱	۰.۸۰۴	۰.۶۴۵	۰.۷۵۵	۰.۶۷۷	۰.۳۹۸
خوانایی			۱	۰.۷۱۲	۰.۷۵۴	۰.۸۲۴	۰.۵۹۶
انعطاف‌پذیری				۱	۰.۷۲۰	۰.۶۴۵	۰.۵۶۵
تناسب					۱	۰.۷۰۴	۰.۵۶۰
غنای حسی						۱	۰.۷۰۳
رنگ تعلق							۱

در مرحله بعدی با استفاده از روش آزمون تک‌نمونه‌ای سطح معناداری و شدت تأثیر هریک از فاکتورها را بر روی ارتقای هویت جمعی شناسایی می‌شود که عبارتند از:

جدول ۴- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار نفوذپذیری

۳۰	تست ارزش = ۱۵			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۲,۲۶۶۶۷	۰,۴۷۲۰۵	۰,۰۰۰۱	۲۹
	آماره (t)			۴,۸۰۲

مأخذ: نگارندگان

با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.0001 < 0.05$ برای متغیر نفوذپذیری تفاوت معناداری با عدد ۱۵ دارد (با ۵ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیرگذار بوده است.

جدول ۵- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار گوناگونی

۳۰	تست ارزش = ۱۵			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۱,۱۰۰۰۰	۰,۴۹۶۷۷	۰,۰۳۵	۲۹
	آماره (t)			۲,۲۱۴

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر گوناگونی داده شده است برابر است با ۱۶,۱۰۰۰ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.035 < 0.05$ تفاوت معناداری با عدد ۱۵ دارد (با ۵ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیر گذار بوده است.

جدول ۶- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار خوانایی؛ مأخذ: نگارندگان

۳۰	تست ارزش = ۱۸			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۱,۵۶۶۶۷	۰,۶۵۶۸۵	۰,۰۲۴	۲۹
				آماره (t)

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر خوانایی داده شده است برابر است با ۱۹,۵۶۶۷ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.024 < 0.05$ تفاوت معناداری با عدد 18 دارد (با ۶ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیر گذار بوده است.

جدول ۷- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار انعطاف‌پذیری

۳۰	تست ارزش = ۹			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۰,۸۳۳۳۳	۰,۳۴۶۰۲	۰,۰۲۳	۲۹
				آماره (t)

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر انعطاف‌پذیری داده شده است برابر است با ۹,۸۳۳۳ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.023 < 0.05$ تفاوت معناداری با عدد 9 دارد (با ۳ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیر گذار بوده است.

جدول ۸- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار تناسب بصری

۳۰	تست ارزش = ۱۵			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۲,۱۳۳۳۳	۰,۵۷۴۸۲	۰,۰۰۱	۲۹
				آماره (t)

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر تناسب بصری داده شده است برابر است با ۱۷,۱۳۳۳ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.001<0.05$ تفاوت معناداری با عدد 15 دارد (با ۵ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیر گذار بوده است.

جدول ۹- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار غنای حسی

۳۰	تست ارزش = ۱۲			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۱,۲۳۳۳۳	۰,۵۳۱۰۷	۰,۰۲۷	۲۹
				آماره (t)

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر غنای حسی داده شده است برابر است با ۱۳,۲۳۳۳ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.027<0.05$ تفاوت معناداری با عدد 12 دارد (با ۴ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر تأثیر گذار بوده است.

جدول ۱۰- آزمون تک نمونه‌ای برای معیار رنگ تعلق

۳۰	تست ارزش = ۱۸			
	اختلاف میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری	درجه آزادی
جمع	۰,۷۰۰۰۰	۰,۷۰۸۱۶	۰,۳۳۱	۲۹
				آماره (t)

مأخذ: نگارندگان

با توجه به تحلیل‌های به عمل آمده میانگین نمراتی که به متغیر رنگ تعلق داده شده است برابر است با ۱۸,۷۰۰۰ و با توجه به مقدار $p\text{-value}=0.331>0.05$ تفاوت معناداری با عدد 18 ندارد (با ۶ سنجه اندازه‌گیری و عدد ۳ متوسط)، نتیجه می‌گیریم که این متغیر یک متغیر تأثیر گذار نیست.

پس از شناخت شدت تأثیر متغیرها و ضرایب معناداری هر کدام جهت تدقیق موضوع به میزان برخورداری و میزان بکارگیری مؤلفه‌های هفت‌گانه مذکور در محدوده مورد نظر پژوهش پرداخته می‌شود. همانطور که تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد مؤلفه نفوذپذیری با اختلاف نسبت به دیگر مؤلفه‌ها در محدوده مذکور شدت تأثیر بیشتری دارد که ناشی از جانمایی صحیح

بافت مسکونی در پیوند با عناصر بافت جدید شهری (میدان، خیابان و...) در نظام شکل‌گیری این منطقه است. همچنین سایر عوامل به ترتیب شدت نظیر: تناسب بصری که ناشی از رعایت سلسله مراتب، چشم‌اندازهای مناسب و عناصر نمادین به ویژه در میدان هجرت دیده می‌شود، خوانایی که ناشی از ارتباط فضایی مناسب و منحصر به فرد بودن از منظر توسعه شهری جدید در اهواز می‌باشد، انعطاف‌پذیری که ناشی از ظرفیت فضایی این محدوده مطابق با نیاز افراد در کل ساعات روز و شب است، غنای حسی که ناشی از رضایت افراد از حضور در این محدوده بوده است و گوناگونی که ناشی از تنوع فضایی بافت مسکونی و شهری جهت انجام فعالیت‌های ساکنین و سایر افراد می‌باشد. البته مؤلفه رنگ تعلق به عنوان یکی از شاخصه‌های هویت شهری به علت تغییر راهبردی کاربری‌ها و افزایش راهبردهای غیرمسکونی در این منطقه از جمله اداری، تجاری و تفریحی و همچنین موقتی بودن و تغییر نقش زندگی ساکنین در شهرک‌های موجود از نظر جامعه آماری در این محدوده از بین رفته است.

نتیجه‌گیری

بستر طرح به عنوان مکان، همواره با تاریخ بشر در ارتباط بوده است. این مکان با دخالت ما نابود، تقویت یا متحول می‌شود. بر اساس چارچوب نظری تدوین شده با استناد به سنتز مبانی نظری شامل دیدگاه‌ها و پژوهش‌های مورد توجه، هفت معیار کلیدی به عنوان عوامل مؤثر در ارتقای فضای عمومی جمعی منطقه مورد نظر شناخته شد. انجام مطالعات اختصاصی بیشتر در ارتباط با معیارهای فوق، با توجه به سطوح و کارکردهای مختلف احراز و تشخیص هویت مکان در توسعه شهری جدید مبتنی بر نظر کارشناسان به عنوان جامعه آماری و نیز توجه به نقش و جایگاه هر یک، به ویژه از نقطه نظر عین-محور و ذهن-محور بودن، تکمیل‌کننده این مسیر و تدقیق‌کننده رهیافت پیشنهادی است. بر همین اساس در پژوهش حاضر ابتدا رابطه و همبستگی میان معیارهای کلیدی بررسی و مشخص شد که از بین معیارهای هفت‌گانه ارتقای هویت فضا، شاخص خوانایی به طور نسبی بیشترین همبستگی را با سایر شاخص‌ها در اختیار دارد. دوم آنکه بیشترین میزان همبستگی بین شاخص‌های خوانایی و غنای حسی و در مقابل کمترین همبستگی بین شاخص‌های گوناگونی و رنگ تعلق وجود دارد. هدف از انجام این مرحله، تعیین نقش و جایگاه هر یک از معیارها با توجه به عامل کلیدی مدت زمان سکونت، موضوعی قابل توجه است که می‌تواند در قالب طرح مسایلی خاص و تدقیق شده در این زمینه و در پژوهش‌های مرتبط آتی با هدف تداوم، تکمیل و تدقیق یافته‌ها و دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش حاضر، مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. در مرحله بعدی و بر حسب هدف تحقیق، میزان

معناداری و شدت تأثیر هر کدام از فاکتورها بر ارتقای هویت جمعی بر اساس روش پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که شش فاکتور به لحاظ معناداری و تأثیر مستقیم بر روی ارتقای هویت جمعی شناخته شد که عامل نفوذپذیری با فاصله نسبت به عوامل دیگر از شدت تأثیر بیشتری برخوردار است سایر عوامل نظیر: تناسب بصری، انعطاف‌پذیری، خوانایی، غنای حسی و گوناگونی هم شدت تأثیر خاص خود را دارا هستند. البته مؤلفه رنگ تعلق نیز با توجه به عللی که مطرح شد شاخصه معناداری در این محدوده به شمار نمی‌رود. به عبارت دیگر در فضاهایی نظیر منطقه راه‌آهن اهواز که به لحاظ بافت شهری کاربری‌های مهمی نظیر مسکونی، تفریحی، تجاری و اداری دارد، می‌بایست به ترتیب بر اساس فاکتورهای مذکور در جهت بهبود و ارتقا هویت‌بخشی این منطقه برنامه‌ریزی‌های مناسب صورت پذیرد. امروزه محدوده مذکور به علت تداخل کاربری‌ها دچار نوعی نابسامانی شده که همین امر موجب کاهش نرخ زمین و جمعیت ساکن شده است. به عبارت دیگر عدم تصمیم‌سازی مناسب مسئولان ذیربط و امکان‌سنجی ظرفیت‌های بالقوه در این محدوده، ساکنین را دچار آشفتگی کرده است. همچنین جهت حفظ و احیا زندگی ساکنین می‌توان راهبردهای مطلوبی در رفع این نابسامانی‌ها اتخاذ نمود که تصحیح طرح‌های بالادستی شهری و معماری در این محدوده و تدابیر مناسب جزئی و کلی در امر برنامه‌ریزی شهری در این محدوده از این جمله‌اند. این مهم، راهگشای رسیدن به چارچوب(های) جامع و در عین حال عملیاتی و در نتیجه طرح مدل(های) ساختاری در این زمینه خواهد بود. این در حالی است که توجه به گروه‌های مختلف جامعه ساکن، هریک با اولویت‌ها، دغدغه‌ها، نیازها و انتظارات متنوع و بعضاً متفاوت سکونتی، در هر دو سطح مادی و معنوی، موضوعی است که می‌تواند زمینه‌ساز شناسایی مصداق‌های عینی و توأمان ارائه راهکارهای کاربردی در این زمینه شود. به علاوه، می‌توان در تحقیقات بعد، بستر مورد توجه برای واکاوی و به بیان دقیق‌تر، امکان‌سنجی چارچوب(هایی) نظری آتی، حائز اهمیت باشد.

منابع و مآخذ:

- ۱- الکساندر، ک. ۱۳۸۵. زبان الگو. مترجم: رضا کربلایی نوری. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.
 - ۲- ارباب، پ. عزیزی، م. زبردست، ا. ۱۳۹۳. واکاوی ارتباط مدت زمان سکونت با شکل گیری هویت مکان در توسعه شهری جدید. مطالعات شهری.. شماره ۱۲. ۵۹-۷۲.
 - ۳- امینی، ا. برومند، م. روح افزا، ف. ۱۳۹۳. ارزیابی عوامل مؤثر بر افزایش کیفیت فضاهای عمومی در شهرهای جدید نمونه موردی: شهر جدید پرد. آمایش محیط. شماره ۲۶. ۸۹-۱۱۰.
 - ۴- بنتلی، ا. ی. ۱۳۹۰. محیط‌های پاسخده. مترجم: مصطفی بهزادفر. چاپ هشتم. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 - ۵- تیموری، ش. ۱۳۹۲. تبیین و بررسی شاخص‌های روش‌های تحقیق کاربردی در طراحی صنعتی. نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی. دوره ۱۸. شماره ۴. زمستان.
 - ۶- دلاکه، ح. بهزادفر، م. قلعه نویی، م. بختیار نصرآبادی، آ. ۱۴۰۱. افزایش حضورپذیری در فضاهای شهری با رویکرد همساختی رفتار و محیط کالبدی (نمونه موردی: میدان انقلاب شهر اصفهان). آمایش محیط. شماره ۵۸. ۱۵۵-۱۷۸.
 - ۷- مایس، پ. ۱۳۸۶. عناصر معماری از فرم به مکان. مترجم: مجتبی دولتخواه. تهران: انتشارات ملائک.
 - ۸- مجتهدزاده، ر. نام آور، ز. ۱۳۸۸. در جستجوی هویت شهری اهواز. وزارت مسکن و شهرسازی. سازمان مسکن و شهرسازی استان خوزستان.
 - ۹- مدنی‌پور، ع. ۱۳۹۱. فضاهای عمومی و خصوصی شهر. مترجم: فرشاد نوریان. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 - ۱۰- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه انسانی خوزستان. ۱۳۹۶. گزیده اطلاعات مناطق و نواحی و محلات شهر اهواز. انتشارات: روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز.
 - ۱۱- معروفی، س. بایزیدی، ق. ۱۳۹۹. تبیین و تحلیل پایداری فضاهای جمعی و سنجش عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: پارک خانواده شهر مهاباد). آمایش محیط. شماره ۵۱. ۲۰۳-۲۳۰.
 - ۱۲- نقی زاده، م. ۱۳۹۱. ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی. اصفهان: انتشارات معاونت شهرسازی شهرداری اصفهان.
- 13- Creswell, J. W. 2003. Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches,... Qualitative Health Research, 3, 362-376.

- 14- Cuba, L. Hummon. D 1993. A Place to Call Home: Identification with Dwelling, Community and Region, the Sociological Quarterly. 34(1). pp111131.
- 15- Droseltis, O. Vignoles, v. 2010. Towards an Integrative Model of Place Identification: Dimensionality and Predictors of Intrapersonal-Level Place Preferences. Journal of Environmental Psychology 30. pp 23-34.
- 16- Lalli, M. 1992. Urban-Related Identity: Theory. Measurement, and Empirical Findings, Journal of Environmental Psychology. 12. pp 285303.
- 17- Raymond, C. Brown, G. Weber, D. 2010. the Measurement of Place Attachment: Personal, Community, and Environmental Connections. Journal of Environmental Psychology. 30. pp422-434.
- 18- Rollero, Ch. De Piccoli, N. 2010. Place attachment, Identification and Environment Perception: An Empirical Study, Journal of Environmental Psychology, 30, pp198-205.
- 19- Smaldone, D. Harris, Ch. Nick Sanyal, N. 2005. an Exploration of Place as a Process: The Case of Jackson Hole. WY. Journal of Environmental Psychology 25. pp 397-414.
- 20- Twigger-Ross, C. L. Uzzell, D. L. 1996. Place and Identity Process. Journal of Environmental Psychology. 16. pp 205-220.